

جلسه ی اول: قاعده ی حقوقی

شنبه، ۰۱ فوریه ۲۰۱۴

۱۰:۱۶ ق.ظ

بسم الله الرحمن الرحيم

• قاعده ی حقوقی

○ تعریف

• **گزاره ای که دارای ضمانت اجراست.**

• به عنوان مثال نیکی به پدر و مادر را به عنوان هنجار اخلاقی می شناسیم. هنجار اخلاقی فاقد

ضمانت اجراست یعنی اگر کسی خلاف مقتضای این هنجار رفتار کرد نمی شود او را به

نیکی الزام کرد.

• در همین رابطه گاهی قانون گذار وضع هنجار قانونی می کند مانند نفقه ی اقارب در صورت

مستطیع بودن شخص و عدم ملائت آن خویش واجب است. یعنی اگر پدری داشتیم که

ملائت مالی تدبیر معیشت سالیانه ی خودش را نداشت و شما تمکن پرداخت هزینه های

خود و او را داشتی وظیفه ی به پرداخت نفقه داری.

• ما قاعدتا موظفیم که به این تکلیف عمل کنیم ولی در این جا یک قید اضافه ای هم دارد و

آن ضمانت اجرایی آن است؛ یعنی اگر ما به این وظیفه مان عمل نکردیم پدرمان می تواند

علیه ما شکایت کند!

○ وجه تمایز هنجار اخلاقی و هنجار قانونی

• تضمین اجرای قاعده ی حقوقی توسط حاکمیت (دولت)

□ در حوزه ی حقوق خصوصی و روابط خاص میان افراد یکی از شئون حکومت،

تضمین اجرای حقوق است.

□ در اطراف ما حقوق مختلفی وجود دارد که همه ی آن ها با یک سری قواعد حقوقی

اجرای آن ضمانت شده است.

○ تقسیم بندی ضمانت اجرا

• رابطه ی حقوقی ناظر به روابط شخصی افراد با یکدیگر: یعنی اصلا دولت و قانون گذار در

این روابط وجود ندارد. مثلا روابط بین خود قانون گذار و مردم نیست

□ **ضمانت اجرای بطلان:** مثلا ما یک معامله ای می کنیم و خانه ای می خریم. قانون گذار شرایطی را به عنوان شرایط صحت عقد در آن معامله پیش بینی کرده است. ضمانت اجرای آن شرایط این است که اگر شما شرایط را رعایت نکنی، صحت معامله ی شما به رسمیت شناخته نمی شود. به بیان دیگر قانون گذار می گوید فقط حقوق ناشی از معاملاتی را تضمین می کنم که فقط مطابق با شرایطی که گفته ام محقق شده باشد. مثلا اگر یکی از شرایط اساسی عقد، معلوم بودن مبیع است و شما یک خانه ای را از میان ۱۰۰۰ تا واحد بخریم و فروشنده به ما تحویل ندهد قانون گذار از ما حمایت نمی کند چرا که در این معامله، مبیع معلوم نبوده است.

□ **ضمانت اجرای الزام طرف به ایفای حق:** در صورتی که معامله صحیح باشد.

- این قاعده ی حقوقی تا کی ادامه دارد؟ مثلا در ازدواج، حق زوجیت تا کی استندام دارد؟
 - **وصف قاعده ی حقوقی این است که دائمی است؛** یعنی تا زمانی که قاعده ای برخلاف آن احراز نشده است حق به رسمیت شناخته شده ادامه ی حیات می دهد و باقی است.
- ویژگی های قواعد حقوقی در حوزه ی روابط شخصی میان افراد
 - اجرائش تضمین شده است.
 - نوعی است
 - دائمی هست.
- این ها در جایی است که معمولا دعوی بین دو نفر امنیت اجتماعی را خدشه دار نمی کند. ولی **یک دسته از قواعد هستند که تخطی از آن ها امنیت را دچار مخاطره می کند.** که البته این تخطی، کلی متواظی مشکک است. مثلا گاهی رد کردن چراغ قرمز است و یا تصادف و ... **در این جاها این طور نیست که مثلا همسایه ی ما شب خوابش نرود. در اینجا ضمانت اجرا، جریمه ی مالی است.** در قبل از انقلاب جرایم بدین صورت تقسیم بندی می شدند:
 - خلافی
 - جُنحه: جرایم مالی، مجازات این دسته از جرایم بوده است.
 - جنایت
- ولی گاهی این جور است که جریمه ی مالی دیگر جواب نمی دهد. در این جا دیگه همه ذهنشان درگیر است و مثلا شب همسایه مان خوابش نمی رود. مثلا دزدی زیاد شده. در این جا زندان وضع می شود و یا جریمه ی بدنی برایش وضع می شود.

- شأن اولیه ی دولت دخالت در اقتصاد نیست. ولی به دولت خیلی مربوط است که مثلا من و نوامیسم امنیت در جامعه دارند یا نه. شاید مهم ترین نقش دولت امنیت است. ولی نمی تواند به بهانه ی امنیت، آزادی های شخصی افراد را محدود کند. **صلاحیت دولت در این زمینه ها صلاحیت اقلی است.** یعنی ای دولت! تو محدوده ی قوانینت را مشخص کن. آن وقت در مازاد بر آن، اصل بر این است که من آزادم تا هر کاری می خواهم بکنم. به همین دلیل دولت نمی تواند قبل از این که قوانینش را به ما بگوید آن ها را اجرا کند و ما را هم در صورت عدم مراعات آن مجازات کند. (این می شود اصل قانونی بودن جرم مجازات (؟) و یا همان قبح عقاب بلا بیان)

- **همین که نطفه ی فرد منعقد می شود یک سری از روابط و قواعد حقوقی اطراف او را احاطه کرده است.** برای مثال اهلیت تمتع از مال پدرش را در صورت فوتش دارد. و یا حتی می شود برای او وصیت کرد و یا هبه کرد. البته حالا این قانون یک مقداری متزلزل است چرا که ممکن است بچه زنده به دنیا نیاید و یا دیوانه و بیمار باشد. این انعقاد نطفه ابزار به دست آوردن و دارا شدن است. این ها برای وقتی است که شما اراده داری. ولی **یک سری قواعد هست که بدون اراده ی خودتان برای شما ایجاد مسئولیت می کند.** مثلا دستت می خورد به عینک رفیقت و میشکند. باید بری جبران خسارت کنی. به این ها می گویند مسئولیت خارج از قرارداد.

- **تعریف حقوق تجارت و تفاوتش با حقوق مدنی**

- حالا در میان این قواعد خصوصی، قواعدی هست که مربوط است به یک سری افرادی که شأن **انشائی شان بده بستان است.** اصلا آمده اند که بدهند و بستان اند. بخرند و بفروشند. تجارت می کند. یعنی **کارشان تجارت است** نه این که گاهی اوقات مبادله می کنند. **قواعد ناظر به معاملات کسانی که شغل خودشان را خرید و فروش قرار داده اند. به این می گویند حقوق تجارت.** یعنی در موازات قواعد حقوق مدنی یک سری قواعد به وجود آمد به نام قواعد حقوق تجارت که همزمان با جنگ های صلیبی در اروپا به وجود آمد. دلیلش این بود که وقتی داشتند می جنگیدند یک کسی بود که خط مقدم جبهه شان بود. آن موقع تمام کلیساها کارشان خرید کالا برای فرستادن به جبهه هاشان بود. یک مشاغلی را به وجود آورد که تا قبل از آن در اروپا خیلی سابقه نداشت. یعنی احتیاجات یک جا جمع شد و تولید جای دیگر. حالا یک مشکلی هم بود که پول این ها چه جوری باید منتقل شود. هم چنین سایر قوانینی که خاص تجار بود.

- **تفاوت حقوق تجارت با حقوق مدنی:** قاعده ای داریم که ما علی الامین إلا الیمین مثلا یک کالایی به ما داده اند که به کسی در تهران تحویل دهیم ولی این کالا گم شود نمی تواند با ما مجادله کند.

حالا این اتفاق برای تجار هم ممکن است بیفتد. راه حلش چیست؟ یک سری آمدند و شغلشان را این قرار دادن که متصدی حمل و نقل باشند. در این جا قاعده فرق دارد با آن قاعده که میان روابط خاص بود. در این جا می گویند که حق علیه کسی که کالا را خراب کرده است مگر این که اثبات کند.

○ ما دو دسته قاعده داریم

- قواعد حقوق مدنی
- قواعد حقوق تجارت

□ بابد بدانیم که هر کدام از این ها در چه جایی اجرا می شوند.

قاعده ی حقوقی هیچ وقت شخصی نیست بلکه نوعی است. یعنی این طور نیست که برای یک نفر خاص وضع شود. بلکه برای نوع انسان ها است

مهندسی قدرت: بالاخره این قدرت فائقه ای که می خواهد ضمانت اجرا شود باید یک ساختاری داشته باشد که تازه بلای جان نشود. قدرت مهندسی شده یعنی قاعده مند شدن قدرت. که کسی که آن قدرت فائقه را دارد در چه چارچوبی انتخاب می شود و در چه چارچوبی قدرتش را اجرا می کند.

• جرایم

- امنیت دچار مخاطره نمی شود: بطلان عقد
- امنیت دچار مخاطره می شود
- شب خوابش می برد: جرایم مالی
- شب خوابش نمی برد: زندان یا جریمه بدنی

جلسه ی دوم: دسته بندی عملیات ده گانه ی قانون تجارت

شنبه، ۰۸ فوریه ۲۰۱۴

۱۲:۱۰ ق.ظ

بسم الله الرحمن الرحيم

- در جلسه ی پیش گفتیم که قواعد حقوق تجارت بر کسانی اجرا و اعمال می شود که تاجر باشند.
- تعریف تاجر

○ کسی که شغل معمول خودش را معاملات تجاری قرار داده باشد.

• تعریف معاملات تجاری

○ ماده ی ۲ قانون تجارت، معاملات تجاری را در ۱۰ عنوان احصاء کرده است:

۱. خرید یا فروش اموال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از این که تصرفاتی در آن بکند یا نکند.

□ می گوید شما مغازه ای داری که یک سری اموال را می خری ولی این ها برای استفاده ی شخصی ات نیست بلکه برای فروش است. مهم این است که شما اقدام به خرید کنید ولی قصدتان استفاده ی شخصی نباشد بلکه قصد فروش داشته باشید.

□ گاهی اوقات هم قصد فروش ندارد بلکه قصد اجاره دادن دارد؛ مانند کرایه دادن اتومبیل. در این جا هم فردی که دارد کرایه می دهد مال منقول را خریده است ولی نه برای استفاده ی شخصی خودش بلکه برای انتفاع از کرایه دادن آن.

□ منظور از تصرف یا عدم تصرف: مثلا یک سری کالایی را در کشتی خریده ای و در کشتی هم می فروشی یعنی شاید اصلا کالا را ندیده ای. ولی گاهی اوقات کالا را تحویل می گیری و یک مقداری در کالا تصرف می کنی و بعد می فروشی. مثلا یک مارکی رویش می زنی و یا یک مقدار زیبایش می کنی و بعد می فروشی.

۲. تصدی به عمل حمل و نقل چه از راه خشکی، آب یا هوا به هر نحوی که باشد.

□ خطوط هوایمایی که کارشان حمل و نقل مسافر است.

□ خطوط هوایمایی که کارشان حمل و نقل کالا است.

□ خطوط کشتی رانی دریایی

□ کسی که تصدی به این کارها داشته باشد می شود تاجر

۳. تصدی به هر قسم عملیات دلالی یا حق العمل کاری و یا عاملی

□ دلال: دلال کسی است که راهنمایی می کند بر چیزی. به عبارت دیگر دلال کسی است

که راهنمایی می کند کسی را به کالا یا خدمتی که نیاز به آن کالا یا خدمت دارد. کار

دلال این است که اطلاعات جمع آوری کند و واسطه ی بین عرضه کننده و تقاضا

کننده شود. مانند شرکت های بازرسی مهندسی که می گردد متخصص ها را پیدا می

کند.

□ حق العمل کاری: مثلاً شما میگی این برنج را « به حساب من و به نام خودت» بفروش. یعنی فروشنده پولی را که می گیرد حق العمل خودش را بر می دارد و بقیه اش را می دهد به صاحب کالا. این به خاطر این است که خود صاحب کالا نمی تواند آن کالا را بفروشد. حق العمل کار در صورتی که کالا را بفروشد می تواند مقداری از آن پول را بردارد ولی در صورت عدم فروش نمی تواند چیزی بردارد.

□ عامل: نمایندگی صاحب کالا را می کند یعنی « به نام و حساب صاحب کالا» می فروشد. مانند وکیل

۴. تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی از امور باشند (راه اندازی تأسیسات) (تاسیس و بکار انداختن هر قسم کارخانه)

□ مثل کارخانه که کارخانه به این معناست که شما کالایی را تولید کنی برای فروش نه مصرف شخصی. این می شود کارخانه داری یا تولید به منظور فروش.

۵. حراجی

□ کالایی داری که می خواهی بفروشی. ولی قیمت واقعی ندارد و قیمتش را مطلوبیت تعیین می کند. یک سری کسانی هستند که شغلشان تصدی به عملیات حراجی است. می گوید کالایم را من می گذارم برای فروش که کسانی بیایند و قیمت بدهند.

□ تصدی به این کار هم معامله ی تجاری است.

۶. تصدی به نمایشگاه داری عمومی

□ مثلاً یک جایی را تعبیه می کنم و می گویم کالا را خودت بیاور و خودت هم بفروش. من فقط یک محیطی را فراهم کرده ام که هر کسی کالایی مانند کالاهای هنری دارد بیاورد و بفروشد. دیگر همه می دانند که اگر بخواهند کالای هنری بخرند باید بیایند این جا. مانند نمایشگاه های هنری و یا نمایشگاه بین المللی تهران. در این جاها اجازه نمی گیرد بلکه می گوید که هر چه فروختی من این درصد از فروشت را می گیرم. اگر اجازه بگیرد میشود مورد اول.

□ در فروشگاه زنجیره ای یا کالا را خودش خریده است و یا این که دارد حق العمل کاری می کند.

۷. عملیات صرافی

□ تبدیل واحد رسمی پول یک کشور به واحد رسمی پول کشور دیگر و یا خرید و فروش مسکوکات مانند طلا و نقره

۸. عملیات بانکی

□ همان تجارت پول است که معامله ی تجاری به حساب می آید.

۹. صنعت بیمه

□ تمام مخاطرات شکست شناسایی شده و آن ها را پوشش می دهند (جلوگیری از یک سری ریسک ها). مانند بیمه ی آتش سوزی، بیمه ی حمل بار در دریا، بیمه ی حمل مسافر در هوا.

۱۰. بنادر

□ هر قسمت عملیات کشتی سازی و ... عملیات تجاری به حساب می آید.

• اموال

- منقول: می شود آن را بدون ایجاد خرابی در خود مال یا محیط پیرامونی اش جابجا کرد.
 - غیر منقول: جابجایی آن بدون ایجاد خسارت در خود مال یا محیط پیرامونی اش ممکن نباشد.
- مانند ساختمان و زمین

جلسه ی سوم: معاملات برواتی

شنبه، ۱۵ فوریه ۲۰۱۴
۱۰:۲۰ ق.ظ

بسم الله الرحمن الرحيم

• معاملات برواتی (بند ۸ ماده ۲ قانون تجارت)

- در معاملات تجاری مثل همه ی معاملات یک چیزی به عنوان پرداخت داریم. یک ابزاری که معمولاً تجار برای پرداخت از آن استفاده می کنند - چون قسمت عمده ی تجارت، تجارت اعتباری است نه نقدی - برات است. مبنای این برات، اعتبار است. اصولاً شخصیت تاجر ممیزه اش از غیر تاجر این است که با پول مردم دارد کار می کند. فرق آدم با اعتبار با آدم بی اعتبار این است که آدم با اعتبار، ابتدا کالا را می خرد و بعداً پولش را می دهد. یعنی پول اشخاص ثالث؛ مثلاً پول

مشتری ها. حالا یا با اعتبار خودش کار می کند یا با اعتبار دیگری. در این برات چند شخصیت وجود دارند:

- **برات کش:** کسی که اقدام به صدور برات می کند. کالایی را می خرد و می خواهد به جای پول، برات صادر کند. یک مقداری شبیه حواله است که مثلا دارد پرداخت پول را حواله می کند به کسی دیگر. البته در حواله ذمه بری میشود ولی در برات خیر.
- **برات گیر:** برات کش دستور پرداخت را به برات گیر می دهد. برات گیر هیچ دخلی در معامله شما نداشته است. مثلا برات کش می گوید که من یک برات صادر می کنم به ذمه ی کسی که من ازش طلبکارم [این فرد بدهکار می شود برات گیر]. البته یک سررسید دارد که مثلا این بدهکار من می خواهد سه ماه دیگر صادر کند. حالا اگر برات گیر هم قبول کرد می گویند برات گیر و برات کش در قبال برات در مقابل دارنده ی سند، مسئولیت تضامنی دارند. هر دو مسئولیت دارند؛ یعنی حتی اگر برات گیر نپرداخت، برات کش مسئولیت دارد.
- **دارنده ی برات:** آن کسی که این برات را به برات گیر می دهد می شود دارنده برات
 - حالا آیا دارنده ی برات باید صبر کند تا به سر رسید برسد؟
- می گوئیم دارنده ی برات امکان این را دارد که برات را ظهر نویسی کرده و به دارنده ی دیگر بدهد. او هم می تواند این برات را در معامله ی دیگر ظهر نویسی کند. همین جوری ممکن است ۱۰ دست بچرخد. البته باید توجه داشت که در سر رسید، این دارنده ها که ظهر نویسی کرده اند همگی در مقابل دارنده ی برات مسئولیت دارند. هر کسی که دخالت در برات داشته در مقابل دارنده ی برات مسئول است. به این می گویند معامله ی برواتی که مخصوص تجار است نه مثلا بقال ها. معامله ی برواتی ذاتا معامله ی تجاری است.

□ LC: اعتبار اسنادی

- دلیل این که می گویند همه ی مردم در برابر قانون یکسان هستند این است که کشور یک سیستم است و در نتیجه فرقی ندارد که یک عضو ناهماهنگ باشد یا ده عضو. هر کسی که از قانون تخطی کند باعث می شود که جلوی حرکت این سیستم را بگیرد و نیروها را خنثی کند.
- باید سیستمی برای نشان دادن بی قانونی وجود داشته باشد.
- نیاز به یک قوه ی عاقله ی کلی در مجموعه ی حاکمیت است. جامعه یک کل هماهنگی است که نیاز به یک بستر حقوقی قانون گذاری دارد. مشکل ما این است که هنوز به این نرسیده ایم.

- مجلس ما اصلا خودش را به عنوان یک تنظیم کننده نمی شناسند بلکه مجلس را مرکز تقسیم غنائم! مانند نفت می دانند. سعی می کنند برای استان خودشان بیش تر بگیرند. (البته همه این طور نیستند.) اصلا سازوکار مجلس هم این گونه تنظیم نشده است.
- مهم تر از تربیت انسان و نیرو، تربیت ساختار است؛ چرا که اگر ساختار درست نباشد آدم را هم به انحراف می کشد. و إلا مگر این طور است که آدم های آمریکایی خیلی از نظر اخلاقی بهتر از ما هستند.

جلسه ی چهارم: تحصیل مال

شنبه، ۰۸ مارس ۲۰۱۴

۱۰:۱۵ ق.ظ

بسم الله الرحمن الرحيم

- کار را بده دست کاردان!!!!
- یکی از اعمال تجاری اعمال برواتی است. یعنی تاجری بین تولید کننده و مصرف کننده واسطه می شود. در بخشی از زنجیره ی تولید اقدام به فعالیت می کند.
- **بند ۱ ماده ۲ قانون تجارت:** تصدی اعمال توزیعی یعنی خرید و فروش هر چیز منقول به منظور فروش
 - یک وقتی مال را خودت می فروشی و یک وقت تحصیل کننده هستی مثل تصدی حمل و نقل که خودش از اعمال تجاری است.
 - **تحصیل مال:** هر عمل حقوقی که منجر به کسب مال شود می شود تحصیل مال.
 - اولین چیزی که ما در اعمال توزیعی بحث می کنیم: خرید یا فروش مال منقول به منظور فروش یا اجاره.
 - بیع: تملیک مال به عوض معلوم
 - بعضی گفته اند تحصیل همان تملک است. **تحصیل مال از ۲ طریق انجام می شود:**
 - **حیازت مباحات:** یکی از اسباب تملک، حیازت است مانند این که ماهی گیری کنی. این عمل هم عمل تجاری است.
 - **سایر عقود:** مثل این که جایی قرارداد ببندیم که خودش کارخانه را بسازد و خودش محصولات کارخانه را بخرد. (**by back**) مثل این که یک شرکت خارجی میدان نفتی را

توسعه می دهد و نفت استخراج شده را خودش می خرد و بدهی ها از بابت خرید تهاتر می شود.

○ به قصد فروش یا اجاره یعنی لازم نیست فروش برود یا اجاره بدهد مهم این است که قصدش را داشته باشد.

○ مالی که خریداری می شود چه مالی باید باشد؟ آیا هر مالی می تواند باشد

• مال باید منقول باشد. مال غیر منقول عمل تجاری به حساب نمی آید. قانون گذار به دنبال این نبوده است که سوداگری در اعمال غیر منقول را رواج دهد. مثلاً بساز و بفروش ها.

○ آیا می توان خرید یک سری حقوق مالی به قصد فروش یا اجاره را عمل تجاری دانست؟ مانند سهم شرکت، حق الإختراع، حق التألیف و ... ؟

• نظر موافقین: می گویند این منقول های حکمی را هم می توانیم خرید یا فروشش را عمل تجاری بدانیم. مانند سرقتی. دلایل:

□ ؟؟؟

• نظر مخالفین: بعضی نقد کرده اند که اموال منقول اگر غیر مادی باشند نمی شود گفت که خرید یا فروش آن تجاری است. دلایل:

□ اولاً، این که قانون مدنی گفته است «هر مالی غیر از اموال غیر منقول در حکم منقول است» فقط از حیث صلاحیت محاکم گفته است. این طور نیست که هر مالی که فیزیکی نبود را در حکم منقول بدانیم قانون مدنی فقط از حیث صلاحیت محاکم این حقوق غیر مادی را منقول دانسته است که در کجا باید اقامه ی دعوا کنم.

□ ثانیاً ماده ی ۳۳۸ که در مورد خرید صحبت کرده است که گفته خرید عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم. پس خرید در قانون تجارت ناظر به عین فیزیکی است نه مال غیر منقول. مال غیر منقول که عین ندارد.

□ ثالثاً انتهای ماده ی ۲ گفته اعم از این که تصرف شده باشد یا نه، تصرف معمولاً در مال مادی است. در سرقتی که نمی توان تصرف کرد.

• نظر استاد

□ من با این نقد مخالف هستم چرا که قانون گذار گفته خرید یا تحصیل

□ همه گفته اند عین از باب مسامحه به کار رفته است.

○ شرکت هایی که به منظور ساخت و فروش آپارتمان اقدام می کنند:

- فقط می توانند کار ساختمانی کنند و حق اقدام به کار تجاری دیگری ندارند و شرکت تجاری محسوب می شوند.

○ یک عمل دیگری که در واقع جزء اعمال تجاری شناخته شده است تهیه و رساندن ملزومات است (لجستیک) یعنی یک اجرتی معینی می گیرند و یک کالانی معینی را در مدت معین به مصرف کننده می رسانند. مثلاً لجستیک ابزارآلات نظامی و نیروی انسانی در جنگ خلیج فارس را یک شرکت لسجتیک خصوصی در آمریکا انجام داد.

در اینترنت در مورد این دو موضوع جستجو کنیم:

۱. International trade
۲. Currency market

برای پیشرفت کشور باید زیرساخت های اداری کشور را بررسی کنیم.

جلسه ی پنجم: اقسام عملیات تجاری

یکشنبه، ۱۳ آوریل ۲۰۱۴

۰۵:۴۹ ق.ظ

بسم الله الرحمن الرحيم

- اقسام عملیات تجاری:

○ توزیعی

- تعریف:

□ منظور مجموعه اعمالی است که موجب رساندن کالا از تولید کننده یا فروشنده عمده

به فروشنده جزء و در نهایت به مصرف کننده می شود

- اقسام عملیات تجاری توزیعی

□ خرید یا تحویل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از این که تصرفاتی

در آن شده یا نشده باشد.

□ تهیه و رساندن ملزومات

○ تولیدی

- تعریف:

□ منظور از عملیات تجارتي توليدي عملياتي است كه موجب تبديل مواد اوليه به كالاي جديد مي گردد

• نكته ها:

□ ممكن است مواد اوليه مال صاحب كارخانه نباشد در اين صورت بند يك ماده شامل آن نشده ولي طبق بند ۴ همان ماده عمل تجارتي است.

□ هر چند تأسيس و به كار انداختن كارخانه بعيد است براي استفاده شخصي باشد، با اين حال در چنين فرض نادري قانونگذار كارخانه داري را تجارتي نمي داند.

• تفاوت كارخانه دار با صنعتگر

□ كارخانه دار معمولاً از كار ديگران كه در كارخانه كار مي كنند سود مي برد ولي صنعتگر حاصل دست رنج خود را بدست مي آورد.

□ سود صنعتگر بيشتر از محل كاري است كه انجام مي دهد ولي كارخانه دار از فروش كالاي ساخته شده سود مي برد.

○ خدماتي

• تعريف:

□ منظور از عمليات تجارتي خدماتي عملياتي است كه طی آن تاجر خدمتي به مشتري ارائه مي دهد.

• اقسام عمليات تجارتي خدماتي:

□ خدمات واسطه اي

• دلالي

• حق العمل كاري (كميسيون)

• عاملي

• تاسيساتي كه براي انجام برخي امور ايجاد مي شوند

□ خدمات مالي

• عمليات بانكي

• صرافي:

• بيمه:

□ خدمات متفرقه

- تصدی به حمل و نقل
- حمل و نقل ممکن است از طریق خشکی، دریا یا هوا باشد. حمل و نقل از راه خشکی ممکن است جاده ای یا ریلی باشد.
- تصدی به عملیات حراجی
- ساختاری را برای اینکه یک کار را به دفعات انجام دهی
- تصدی حمل و نقل مطلق است و هم کالا را در بر می گیرد و هم اشخاص را
- برای کشف قیمت، عملیات حراجی انجام می شود.
- تصدی به هر قسم نمایشگاه های عمومی (حراجی)
- نمایشگاه به محلی گفته می شود که اثری هنری، تاریخی، طبیعی، فرهنگی، صنعتی و ... در معرض بازدید علاقمندان قرار می گیرد.
- عملیات مربوط به کشتی:
 - کشتی سازی
 - خرید و فروش و هرگونه معامله مربوط به کشتی
 - کشتیرانی

جلسه ی ششم: شرکت های تجاری

شنبه، ۱۹ آوریل ۲۰۱۴

۱۰۰۰۹ ق.ظ

بسم الله الرحمن الرحيم

- **شرکت به چه معناست؟ به دو بخش تقسیم می شود:**
 - قهری: دو یا چند نفر با هم دیگه شریک می شوند و به واسطه ی آن در ذره ذره ی آن با هم شریک هستند(به نحو مشاع): مانند ارث
 - اختیاری: دو نفر با همدیگر عقد شرکت برقرار می کنند.
- **آثار شرکت های تجاری (تفاوت شرکت های مدنی با تجاری)**
 - شخصیت حقوقی ایجاد می شود.

○ لزوماً شرکتی که ایجاد می شود دارای اهداف اقتصادی است.

• تعریف شرکت در قانون تجاری

○ مؤسسه ای است که بر اساس یک قرار داد بین دو یا چند نفر برای اهداف اقتصادی و کسب سود تشکیل می شود.

○ در مورد تاجر ما اعلام اعسار و ورشکستگی نداریم

• تعریف شرکت در قانون مدنی

○ اجتماع حقوق مالکین در شیء واحد به نحو اشاعه (یعنی کلیه ی شرکا در ذره ذره ی عمومات با هم دیگر مشترک هستند)

• این که یک نفر خودش یک عمل تجاری را انجام دهد چه فرقی دارد با کسی که یک شرکت بزند و در قالب شرکت این عمل را انجام دهد؟ چه اثری دارد؟

○

• ویژگی های یک شرکت تجاری

○ با همکاری دو یا چند نفر ایجاد می شود.

• همکاری: وقتی دو یا چند نفر می خواهند یک شرکتی را تأسیس کنند مسلماً یک شرکت یک دارایی ای نیاز دارد. این شرکا هستند که این دارایی را تأمین می کنند.

• آیا لزوماً این دارایی باید پولی باشد؟ آیا مثلاً یک نقاش می تواند بگوید من هم نقاشی ام را شریک می کنم؟

□ آورده ها را به ۲ دسته تقسیم می کنم

• مادی

• نقدی: یعنی پول و نه حتی زمین

• غیر نقدی: قانون تجارت، آورده ی غیر نقدی را هم قبول کرده و می

تواند با آن شریک شود. مانند زمین و یا حتی اسم خودش

• غیر مادی: مانند این که مثلاً من صنعت و حق اختراع خودم را می آورم. این

هم امکان پذیر است. ولی نکته این است که این حق اختراع چون غیر مادی

است باید تقویم (قیمت گذاری) شود. یعنی مثلاً گفته می شود که این حق

اختراع ۵۰۰ هزار تومان می ارزد. وقتی شرکت تشکیل شد دیگه این حق اختراع

برای شرکت است نه صاحب اختراع.

• سهمی که من می آورم مال کی می شود؟

□ مال شخصیت حقوقی می شود.

□ همه ی افرادی که در یک شرکت سهام هستند با هم دیگر یک شخصیت حقوقی

دارند که دارای اقامتگاه جدا، دارایی جدا، ترازنامه ی مالی جدا، بستانکاران جدا و بدهکاران جدا دارند.

□ پس این که گفتیم در خارج شرکت های تک شریکی داریم به این معنا است که با

شخصیت حقیقی اش یک شرکت می زند. مثلا من می خواهم با شخصیت حقوقی ام یک شرکت مالی بزنم. اثری که دارد این است که مالی که در خارج از شرکت دارم در حالت ایمنی و اطمینان قرار می گیرد. یعنی مثلا خود شخص حقیقی من بدهکار نیست ولی شخصیت حقوقی ام بدهکار است.

□ پس دارایی ها به نام شخصیت حقوقی می شود. یعنی مثلا اگر شرکت ورشکست

شود، زمینی که من آورده بودم دیگر به خودم بر نمی گردد. چرا که این زمین برای هیچ کدام از شرکا نبوده است بلکه برای شخصیت حقوقی شرکت بوده است و به همین دلیل هیچ کدام از شرکا نمی توانند شخصا در آن تصرف کنند بلکه تنها از طریق شرکت می شود در آن تصرف کرد. پس در آخر کار، زمین بین همه تقسیم می شود (البته بعد از دادن بدهی طلبکاران) پس توجه شود که این جا شرکت به نحو اشاعه نیست که تک تک ماها در دارایی های شرکت سهام داشته باشیم. بلکه شرکت مالک دارایی ها است. حالا وقتی شرکت ورشکست شد این شخصیت حقوقی از بین می رود و در نتیجه همه ی شرکا به نحو اشاعه در دارایی ها سهام دارند.

• آورده های غیر نقدی باید قیمت گذاری شود تا اگر ورشکست شد سهم هر نفر مشخص

باشد.

○ شرکت به دنبال سود است.

• شرکتی که به دنبال سود نباشد اصلا شرکت نیست.

• سود و زیان به شرکا تعلق می گیرد منتها بعد از صفر کردن بدهی هایش.

۳. یک قرار دادی بین افراد وجود دارد و در قالب این قرار داد شرکت تشکیل می شود و فعالیت

هایش را انجام می دهد.

• ماهیت شخصیت حقوقی شرکت ها

- هر شخصی - اعم از حقیقی یا حقوقی - دارای حق و تکلیف است.
- سؤال: ضابطه‌ی تمییز بین تکالیف شخصیت حقوقی و حقیقی چیست؟ مثلاً همه‌ی ما به عنوان یک شخصیت حقیقی یک سری حقوقی داریم مانند حق ابوت، حالا آیا در مورد شخصیت حقوقی هم چنین حقوقی وجود دارد؟ ملاک تشخیص آن چیست؟

- شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه‌ی حقوق و تکالیفی باشد که قانون برای اشخاص حقیقی قائل است. مگر حقوق یا وظیفه‌ی ای که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن شود مانند حقوق ابوت، بنوت، ولایت، ارث و امثال آن‌ها. بقیه‌ی حقوق مثل دارایی، اقامتگاه، ولادت (به معنای ایجاد شدن و تشکیل)، مرگ (به معنای انحلال)، اهلیت و ... را می‌تواند داشته باشد. معنی این حقوق این است که اگر شرکتی بخواهد علیه شخصیتی دیگر اقامه‌ی دعوا کند باید در همان اقامتگاهی اقامه‌ی دعوا کند که قرار دارد.

- سؤال: شخصیت حقوقی کی ایجاد و کی منحل می‌شود؟
- یک نظر - نظر شاذ - این است که شخصیت حقوقی وقتی ایجاد می‌شود که در اداره‌ی ثبت شرکت‌ها به ثبت برسد. زمان انحلالش هم زمان مرگش است. که ممکن است این انحلال به صرت قراردادی باشد و یا این که مدیر تسویه بیاید شرکت را منحل اعلام کند.
- وقتی که اساس نامه به امضای سهامداران برسد و دارایی‌های مادی آورده و دارایی‌های غیر مادی تقویم شود شرکت ایجاد شده است. به همین دلیل این عده قائل هستند که قبل از ثبت هم شرکت می‌تواند ایجاد شده باشد. به نظر می‌رسد که این نظر دوم درست تر باشد ولی نظر اول را چون قریب به ذهن تر است در نظر داشته باشیم.

• انواع شرکت‌های تجاری

- شرکت سهامی
- شرکت با مسئولیت محدود
- شرکت تضامنی
- شرکت مختلط غیر سهامی
- شرکت مختلط سهامی
- شرکت نسبی
- شرکت تعاونی تولید و مصرف

• متفرقه

• آورده دو نوع

□ مادی

• نقدی: پول

• غیر نقدی: زمین

□ غیر مادی

• مثلا من صنعت خودم یا حق اختراعم را می آورم؟ آیا می توانم

• این هم امکان پذیر هست. حق اختراع باید تقویم شود یعنی آقای الف دو

میلیارد سرمایه گذاشته و آقای ب حق اختراع آورده که پانصد هزار تومان می

ارزد. سرمایه شرکت دو میلیارد و پانصد هزار می شود. این حق اختراع برای

شرکت می شود.

• شخصیت

○ حقیقی

○ حقوقی

• تجاری

• غیر تجاری (firm): مانند مؤسسات دولتی

شخصیت حقوقی علی حده؟

□ ورشکستگی

• عادی

• تقسیم

• تقلب

• مثلا دو نفر که هر کدام سرمایه ی ۱۰ میلیاردی دارند یک شرکتی با سرمایه ی ۱۰ میلیونی

می زنند. اگر این شرکت ورشکسته شد طلبکاران نمی توانند بروند سراغ آن ۱۰ میلیارد.

جلسه هفتم: انواع شرکت های تجاری و مقررات راجع به آن ها: شرکت با

مسئولیت محدود

شنبه، ۲۶ آوریل ۲۰۱۴

۱۰:۱۵ ق.ظ

بسم الله الرحمن الرحيم

• ماده ی ۲۰ قانون تجارت می گوید شرکت های تجاری ۷ نوع اند

○ شرکت های تجاری ای که شخصیت حقوقی دارند و به عنوان تاجر شناخته می شوند

۱. شرکت با مسئولیت محدود

□ شرکتی است که برای امور تجاری بین دو یا چند نفر تشکیل می شوند. پس

حداقل شرکا در این نوع شرکت، ۲ نفر هستند.

□ معنای مسئولیت محدود: هر یک از شرکا بدون این که سرمایه به سهام تبدیل بشود

فقط تا میزان سرمایه ی خودش در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است.

یعنی اگر در یک شرکت با مسئولیت محدود قرا رشد شما ۱۰۰۰۰۰۰ تومان سرمایه

ی اولیه بیاوری و دو تا شریک هستی، نفر اول ۷۰۰۰۰۰۰ و نفر دوم ۳۰۰۰۰۰۰ سرمایه

بیاورد و شرکت ۱۰۰۰۰۰۰۰ بدهی بالا بیاورد هر کدام از شرکا به نسبت سهم

خودش متعهد پرداخت دیون است.

□ به همین دلیل در دنیا سرمایه ی ثبت شده ی شرکت یکی از معیارهای اعتبار آن

شرکت است.

□ حالا این که جنس آن آورده چی باید باشه را بعدا صحبت می کنیم.

□ تعریف: شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که هر یک از شرکای شرکت

فقط تا میزان سرمایه ی خودش در شرکت مسئول ادای دیون و تعهدات است. و

اگر اثبات کرد که سرمایه ی تعهد شده در شرکت را ادا کرده دیگه مسئولیت

نداره.

□ چون شرکت با مسئولیت محدود این مخاطرات را داره قانون گذار بیان کرده که

شما در اسم شرکت با مسئولیت محدود حتما باید عبارت با مسئولیت محدود رو

درج کنی که اگر یک کسی با تو معامله می کنه بدون که تمول شخصی مدیر

شرکت باعث اعتبار این شرکت همیشه. اگر عنوانا شرکت را نیاوردیم شرکت، تضامنی محسوب می شود. یعنی این که هر یک از شرکای شرکت با اموال خارج از شرکت خودش در قبال تمام دیون و تعهدات مسئول است.

□ هر کاری که باعث بشه مردم رو گول بزنی و این محدود بودن مسئولیت را اطلاع رسانی درستی نکنی، باعث میشه که شرکت شما تبدیل به شرکت تضامنی بشه و در نتیجه اموال خارج از شرکت هم در معرض خطر قرار می گیرد.

□ سرمایه ای که شما باید در شرکت با مسئولیت محدود بیاوری باید همه را تأدیه (ادا) کنی.

□ سرمایه دو قسم است

• نقدی: وجه نقدی که ما می پردازیم.

• غیر نقدی: سرمایه ی غیر نقدی - مانند اعطای حق چاپ کتاب شعر به

شرکت و یا زمین - باید تقویم شود.

□ اما قانون می گوید شرکت با مسئولیت محدود تا زمانی که تمام سرمایه ی نقدی تأدیه نشده باشد و سرمایه ی غیر نقدی تقویم و تسلیم (= یعنی مثلا این زمین را در اختیار مدیر شرکت قرار بدی و سندش را به نام شرکت بزنی) نشده باشد تشکیل نمی شود.

□ یک جایی که می شود جنگولک بازی در آورد این است که یک زمینی بیاوری و بگویی من ۱۰۰ میلیارد کم تر نمی آورم و در نتیجه الان باید ۱۰۰ میلیارد در شرکت به نام من ثبت شود. به همین دلیل می گویند که کارشناس باید تقویم کند نه خود افراد.

□ اگر شما کالایی را تقویم کردی و در سرمایه ی شرکت آوردی، تک تک شرکا نسبت به قیمتی که تقویم شده است مسئولیت تضامنی دارند اگر چه شرکت با مسئولیت محدود است. می خواهد جلوی این را بگیرد که عمل تقویم با قیمت واقعی صورت گیرد نه بیش تر از آن.

□ ضمانت اجرای مواد ۹۶ و ۹۷ که می گوید باید تمام سرمایه ی نقدی را تأدیه کرده باشی و غیر نقدی را تقویم و تسلیم کرده باشی و این که باید در اساس نامه

ذک رکنی که سرمایه ی غیر نقدی به چه میزان تقویم شده است این است که اگر این کار را نکردی شرکت تأسیس نمی شود و شرکت باطل است و عقد شرکت شکل نگرفته است. ولی اگر در این هنگامی که شرکت به صورت باطل شکل گرفته است شرکت بده کار شده باشد شرکت نمی تواند به بهانه ی باطل بودن شرکت دیون خود را نپردازد.

□ در شرکت با مسئولیت محدود سهم شرکتی نمی تواند به شکل اوراق سهام و یا اوراق تجارتي در بیاید و انتقال یابد. مگر این که سه چهارم دارندگان سرمایه که باید اکثریت عددی شرکا را هم داشته باشند انتقال سهم شرکتی را تصویب نکنند. مثلا کسی ۷۰٪ سهام یک شرکت را دارد و ۳۰٪ بین ۴ نفر دیگر. حالا اگر به نفر از آن ۴ نفر خواست سهم خودش را بفروشد نه تنها سه چهارم دارندگان سرمایه بلکه اکثریت عددی شرکا هم باید راضی باشند. یعنی آن سه نفر دیگر هم مهم هستند. البته خودش را هم باید حساب کرد.

□ در شرکت با مسئولیت محدود یک ویژگی وجود دارد که انتقال سهام یک شرکت با مسئولیت محدود به موجب سند رسمی به عمل می آید. یعنی شما باید مصوبه مجمع شرکا را اخذ کنی و این مصوبه را ببری دفتر اسناد رسمی و آن جا سند انتقال سهام تنظیم کنی.

□ تصمیمات در هیأت مدیره اخذ می شود و فرض می شود که هیأت مدیره کلیه ی اختیارات در حوزه ی موضوع شرکت را داراست. موضوع شرکت در واقع تعیین کننده ی حیطة ی صلاحیت عمل مدیران است. یعنی شما در این موارد فقط باید اقدام کنی. مثلا شرکت ما خرید و فروش دام و طیور است. حالا آقای هیأت مدیره اگر خارج از این موضوع رفتی کاری کردی و ضرر کردی مسئول هستی. ضمانت اجرای انجام فعالیت های خارج از موضوع این است که در صورت بروز خسارت موجب مسئولیت آن ها در برابر شرکا است.

□ هیأت مدیره باید تصمیمات راجع به شرکت را به صورت اکثریت + ۱ بگیرد.

□ هر شریکی به میزان سهم شرکتی اش رأی دارد.

جلسه ی هشتم: شرکت تضامنی

شنبه، ۰۳ مه ۲۰۱۴

۱۰:۲۲ ق.ظ

بسم الله الرحمن الرحيم

اقرا باسم ربك الذي خلق ...

- **تعریف شرکت تضامنی:** هر کدام از شرکا با تمام اموالشان مسئول پرداخت تمام دیون شرکت می باشند.
- تعریف: شرکتی است که بین دو یا چند نفر تحت اسم مخصوصی برای امور تجارتي تشکیل می شود و شرکا مسئولیت تضامنی غیر محدود دارند. یعنی اگر دارایی های شرکت کافی برای تعدیه دیون شرکت نباشد هر یک از شرکا با تمام دارایی شان مسئول تعدیه تمام دیون شرکت هستند.
- در شرکت تضامنی اگر شرکا حتی بین خودشان توافقی بر خلاف این موضوع داشته باشند این توافق باطل و بلا اثر است در مقابل اشخاص ثالث. یعنی توافقی که مسئولیت یکی از شرکای شرکت تضامنی محدود باشد این توافق در مقابل اشخاص ثالث معتبر نیست. مثلا نمی شود گفت که فلان شریک مسئولیت تضامنی ندارد. اگر شرکت تضامنی تأسیس شد اشخاص ثالث که این شرکت را می بینند فرض اولیه شان بر این است که جدای از شخصیت شرکت تک تک این شرکا هم در مقابل این دیون شرکت مسئول هستند. به همین دلیل است که می گوئیم این توافق برای اشخاص ثالث معتبر نیست.
- عرض کنم به حضور مقدس و انور شما که پس بنابراین شما طلبکار می توانی هر میزان از طلبت از شرکت را از هر فرد از شرکا که خواستی طلب کنی.
- **پس دو دسته مسئولیت داریم:**
 - مسئولیت شرکا در مقابل یک دیگر
 - مسئولیت شرکا در مقابل اشخاص ثالث
- مسلما مسئولیت شرکا در مقابل یک دیگر به اندازه ی سهمی است که در شرکت دارند.
- **آیا طلبکار می تواند قبل از این که برود سراغ شرکت برود سراغ یکی از شرکا؟**
 - درست است که ما گفتیم هر یک از شرکا در مقابل کل بدهی ها مسئول اند اما شما با یک شخصیت حقوقی به نام شرکت معامله کرده ای بنابراین ای آقای بستانکار محترم در وهله ی اول شما باید مطالبه را در مقابل آن شخصیت حقوقی به نام شرکت تضامنی به علم بیاوری. اگر از آن

شرکت تضامنی مطالبه کردی و نداد و عدم استطاعت شرکت اثبات شد و شرکت ورشکسته شد آن موضع شما می توانی بیایی سراغ شرکا.

○ پس بین بستانکاری که شما از اشخاص داری با این که از یک شرکت تضامنی داری فرق وجود دارد. در شرکت تضامنی ابتدا باید بیایی سراغ شرکت و در صورت اثبات ورشکستگی اش می توانی بروی سراغ شرکا. ولی وقتی که یک چک داری که چند نفر هم پشت آن را امضا کرده اند شما می توانی مستقیماً بروی سراغ هر کدام از آن ها

- عرض کنم حضور انور شما شرکت تضامنی معامله با یک شخصیت حقوقی به اعتبار آن اشخاص است.
- قانون گذار گفته شما باید اسم یک یا شرکا را در نام شرکت تضامنی ذکر کنی. بنابراین عبارت شرکت تضامنی و اسم لا اقل یکی از شرکا باید در نام شرکت ذکر شود. و اگر اسم همه ی شرکا را نمی گویی بگو مثلاً حاج سعید موحد نسب و شرکا و یا حاج سعید موحد نسب و دوست دختران!!!! و یا حاج سعید موحد نسب و صیغه ها!!!! و یا حاج سعید موحد نسب و هم جنسان!!!! و بالاخره حاج سعید موحد نسب و ترکمان!!!! و یا حاج سعید موحد نسب و محمد اسدی!!!! و یا حاج سعید موحد نسب و حرم سرا!!!
- شرکت تضامنی مانند شرکت مسئولیت محدود وقتی می تواند اعلام موجودیت کند که تمام سرمایه ی نقدی اش تقویم و تمام سرمایه ی غیر نقدی اش تقویم و تسلیم شود.

• این شرکت تضامنی ممکن است یک نفعی داشته باشد. آن جایی که می گوییم تما شرکا مدیون است اگر نفعی وجود داشت چگونه باید تقسیم شود؟

○ اصل این است که هر کدام از شرکا یک درصدی از سهم دارند. بنابراین سود به نسبت سرمایه ی شرکا در شرکت تقسیم می شود.

○ ولی این جا شرکت شخص است. یعنی اسم من را که بالای این شرکت می زنی به خاطر اعتبار من است و حالا شرکت ضرر کند اعتبار من هم از بین رفته است ولی بقیه ی شرکا فقط پولشان از دست رفته است.

○ این جا باید یک سازو کار دیگه ای تعبیه کرده مثلاً درست است که من ۲۵٪ سهم دارم ولی ۵۰٪ سود می برم. این کار اشکال ندارد.

- اعتبار قابل تقویم نیست به همین دلیل هنگام تأسیس شرکت نمی توان آن را تقویم کرد.
- برای شرکت باید تعیین خارجی ایجاد کنیم. برای این کار باید نماینده داشته باشد. یعنی شرکا باید یک مدیر از بین خودشان یا از خارج انتخاب کنند. مدیر می شود نماینده ی شرکت در تعامل با دیگران. یعنی یک نفر باید نماینده ی شخصیت حقوقی شرکت باشد.

- در شرکت های تضامنی اگر در هنگام تشکیل شرکت یک یا چند نفر از شرکا بخواهند سهم شرکتی غیر نقدی بیاورند همه ی شرکا باید نسبت به تقویم آن تراضی بکنند. یعنی باید بنشینند و با تراضی بگویند که این شرکت اگر این سرمایه ی غیر نقدی را قبول کرد به این قیمت قبول کرد.

- **آیا می توان علامت تجاری را به عنوان سهم شرکتی غیر نقدی تقویم کرد؟**

- برخی مخالفند. می گویند سهم شرکتی غیر نقدی باید از مقوله ی دارایی های ثابت باشد.
- برخی دیگر موافقند. می گویند هر چیزی که در بازار قابل معامله با پول باشد را می توان تقویم کرد؛ یعنی اگر شما در بازار عرضه کنید آن را می خردند.
- این جا شرکت، شرکت شخص است. بنابراین تغییر شرکا در رابطه ی مستقیم است با حقوق سایر شرکا. نتیجه ی اخلاقی اش این است که اگر یک شریکی تصمیم به فروش سهم شرکتی خودش گرفت حق فروش سهم شرکتی بدون موافقت سایر شرکا را نداشته باش.
- ماده ی ۱۲۴ می گوید مادامی که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه ی قروض باید از خود شرکت باشد.
- تا قبل از این که شرکت منحل نشده است هیچ یک از شرکا نمی تواند بگوید چون من ۲۵٪ سهم دارم پس ۲۵٪ از اموال شرکت مال من است. چرا که در شرکت های تضامنی، همیشه دارایی های شرکت مستقل از دارایی های شرکا است

- **آیا طلبکاران شرکای شرکت می توانند رجوع کنند به اموال شرکت یا خیر؟** ما گفتیم طلبکاران شرکت فقط در صورتی که به شرکت مراجعه کنند و شرکت پاسخ مقتضی ندهد می توانند به شرکا رجوع کنند. حالا آیا عکس این مطلب هم صادق است؟

- می گوئیم خیر: طلبکاران شرکای شرکت حق مراجعه به شرکت ندارند. آن ها تنها می توانند قائم مقام شرکای شرکت بشوند. یعنی سهامش را طلب کنند.
- خب مگه نگفتیم شریک جدید قبول نمی کنیم؟

- بله که گفتیم ولی منظور این است که قائم مقام در انحلال شرکت شوند؛ یعنی شما می توانی درخواست کنی که قائم مقام در سهم شرکت شوید و به نیابت از سهامدار شرکت، شرکت را منحل کنی. مانند فوت شرکت که در صورت فوت، بقای شرکت موقوف به رضایت بقیه ی سهامداران است به علاوه ی قائم مقام متوفی. یعنی بعد از فوت یکی از شرکا، بقیه ی شرکا باید با هم دیگر توافقی جدید کنند.

- حالا اگر بقیه ی شرکا راضی به ادامه ی شرکت باشند قائم مقام باید ظرف یک ماه رضایت یا عدم رضایت خودش را اعلام کند. اگر موافقت کرد که هیچ و در آن یک ماه هم در سود

و هم در ضرر شریک می شود ولی اگر موافقت نکرد، منافع را در آن یک ماه می برد ولی در ضررها شریک نمی شود.

- اگر یکی از شرکا ورشکست شود باز هم با تقاضای کتبی مدیر تسویه شرکت می تواند منحل شود مگر این که مدیر شرکت، مدیر تسویه را منصرف از تقاضای انحلال کند.
- تجارت جایی می تواند گسترده شود که بسترهای اطلاعاتی قوی ای وجود داشته باشد. مثلا ما اگر سیستم اطلاعاتی برای تشخیص اعتبار افراد نداشته باشیم شالوده ی تجارت به هم می ریزد.

شرکت نسبی

شنبه، ۱۰ مه ۲۰۱۴

۱۰:۲۳ ق.ظ

بسم الله الرحمن الرحيم

• تعریف

- شرکتی است که برای امور تجاری، تحت یک نام مخصوص بین دو یا چند نفر تشکیل می شود و مسئولیت هر یک از شرکا به نسبت سرمایه ای است که به شرکت آورده اند. به بیان دیگر شرکت نسبی از جهت نامحدود بودن مسئولیت مانند همان شرکت تضامنی است.
- در هر دو شرکت نسبی و تضامنی اموال شرکا حتی اگر خارج از شرکت هم باشند در معرض خطرات ناشی از معاملات شرکت قرار دارند. هر چند در شرکت نسبی هم مانند شرکت تضامنی طلبکار ابتدا باید به اموال شرکت رجوع کند و در صورت عدم تکافی اموال شرکت و اعلام ورشکستگی آن حق رجوع به اموال شرکا را دارد.

• تفاوت شرکت نسبی و تضامنی

- در شرکت نسبی قانون گذار بیان کرده است که مسئولیت هر یک از شرکا به نسبت سرمایه ای است که در شرکت آورده است. به این معنا که در این شرکت ها در صورت فزونی بدهی های شرکت از اموال آن، هر یک از شرکا معادل سهم الشركة شریک به کل سرمایه در مقابل کل بدهی مسئول است. به عنوان مثال چنان چه شریکی فقط ۱۵٪ سرمایه ی شرکت را در تملک داشته باشد، به میزان ۱۵٪ کل بدهی ها در مقابل هر یک از طلبکاران مسئول است. طبیعتا هر طلبکار فقط می تواند ۱۵٪ طلب خودش را از آن شریک مطالبه کند.

- در شرکت نسبی مانند شرکت تضامنی باید نام یکی از شرکا درج شود. هم چنین عبارت «شرکت نسبی» در نام شرکت نسبی معلوم باشد. در شرکت نسبی هم وقتی شرکت تشکیل شده محسوب می شود که تمام سرمایه ی نقدی تأدیه شده باشد و سرمایه ی غیر نقدی هم تقویم و تسلیم باشد. در این شرکت ها، امکان این که به موجب شرکت نامه درصد تقسیم منافع تابع نظامی غیر از میزان سهم شرکت باشد با توافق طرفین وجود دارد. هم چنین در این شرکت ها شرکا اختیار دارند که حتی شخصی را از خارج به عنوان مدیر شرکت برگزینند؛ یعنی به خلاف شرکت های سهامی، در شرکت تضامنی و با مسئولیت محدود و نسبی اجبار نیست که مدیر عامل حتما از میان شرکا انتخاب شود. در این نوع شرکت هم در صورتی که یکی از شرکا تمایل به آورده ی غیر نقدی داشته باشد باید آن آورده ی غیر نقدی به رضایت تمام شرکا تقویم شود. به بیان دیگر تا وقتی که شرکا نسبت به مبلغ اعلامی آورده ی غیر نقدی رضایت نداده باشند به قرینه ی ماده ی ۱۱۸، شرکت تشکیل شده محسوب نمی شود.
- اصولا در شرکت های شخص به خلاف شرکت های سرمایه، تغییر شرکا بدون رضایت همه ی شرکا امکان پذیر نیست. بنابراین ما می بینیم هم در شرکت تضامنی که از انواع شرکت های شخص هستند یعنی بر اساس اعتبار اشخاص شکل گرفته اند و نه بر مدار سرمایه، تغییر شرکا بدون رضایت همه امکان پذیر نیست. نظام اداره اموال در این شرکت ها قدری پیچیده تر و سخت گیرانه تر از مال مشاع است.
- اگر در میانه ی راه - یعنی پس از تشکیل شرکت - کسی تصمیم بگیرد به عنوان شریک وارد این شرکت شود نسبت به بدهی های قبلی شرکت هم به میزان سهمش در شرکت مسئول است. و حتی اگر توافقی غیر از این هم بین شرکا منعقد شود در مقابل اشخاص ثالث باطل و بلا اثر است.
- در خصوص مراجعه ی طلبکاران به اموال شخصی شرکا، مانند نظام شرکت های تضامنی عمل می شود. یعنی ابتدا شرکت باید منحل و سرمایه ی آن بین شرکا تقسیم شود تا طلبکار هر شریک حق مراجعه به اموال شریک را پیدا کند.

شرکت مختلط تضامنی

شنبه، ۱۰ مه ۲۰۱۴

۱۰:۴۴ ق.ظ

بسم الله الرحمن الرحيم

- در این نوع شرکت ها معمولا یک یا چند نفر شریک ضامن وجود دارند و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود.
- شرکای ضامن در مقابل کلیه ی بدهی های شرکت مسئول اند در حالی که شریک با مسئولیت محدود فقط به میزان آورده ی خود به شرکت مسئولیت دارد. پس شرکا از دو نظام پیروی می کنند: مسئولیت محدود به سرمایه و مسئولیت نامحدود. برای همین است که اگر شریکی که مسئولیتش محدود است، نامش در نام شرکت ذکر شود آن گاه در مقابل بستانکاران مسئولیت تضامنی خواهد داشت.

شرکت سهامی

شنبه، ۱۷ مه ۲۰۱۴

۱۱:۲۰ ق.ظ

بسم الله الرحمن الرحيم

اقرا باسم ربك الذي خلق ...

• ...

- اگر شرکت سهامی عام باشد باید ۲۰٪ سرمایه را خود مؤسسين تعهد کنند و از آن ۲۰٪، ۳۵٪ اش را نقدا بپردازند و پرداخت مابقی در تعهدشان می ماند. شرکت در این شرایط حساب ندارد چرا که شخصیت حقوقی وقتی تشکیل می شود که فرآیند تشکیل شرکت تمام شده باشد. آن موقع است که می توانند برای شرکت حساب باز کنند. به همین خاطر قانون گذار مقرر کرده است که این ها اجازه داشته باشند حسابی به نام حساب شرکت در شرف تأسیس باز کنند و آن ۳۵٪ را که موظف اند به صورت نقدی بپردازند در آن حساب سپرده کنند. حالا می توانند اظهار نامه ی ثبتی و طرح اعلام نامه ی پذیره نویسی را - که همه ی مؤسسين باید امضا کرده باشند - به مرجع ثبت شرکت ارائه کنند. در مورد آورده هی غیر نقدی هم باید عین مدارک مالکیتشان یا همان عین را در همان بانک با تقویم قیمت تودیع کنند و گواهی تودیع را برای مرجع ثبت ببرند. اظهار نامه ی ثبت شرکت سهامی عام باید حاوی اطلاعات زیر باشد:

۱. نام شرکت

۲. هویت کامل و اقامت نامه ی مؤسسين

۳. موضوع شرکت: گفته بودیم که شرکت برای انجام اعمال خارج از موضوع فاقد اهلیت است.

۴. مبلغ سرمایه ی شرکت: قبلا گفتیم مبلغ سرمایه ی شرکت معرف اعتبار شرکت است.

۵. تعداد سهم های شرکت و بی نام یا با نام بودن این سهم ها
۶. تعیین تعداد خصوصیات و امتیازات این گونه سهام: وقتی شرکت تأسیس می کنیم می توانیم تعدادی سهم به نام سهام ممتازه تعریف کنیم که ممکن است این سهم ها امتیازات خاصی را داشته باشد. این سهام ممتازه باید در اساس نامه ی شرکت مورد اشاره قرار گیرد
۷. میزان تعهدی که کرده اند و مبلغی که پرداخته اند
۸. مرکز اصلی شرکت و مدت شرکت
- اگر شرکت سهامی عام باشد طرح اعلامیه ی پذیره نویسی دارد. در این طرح این مسائل طرح می شود:

۱. نام شرکت
۲. موضوع فعالیت شرکت
۳. مرکز اصلی شرکت و شعب آن کجاها تشکیل می شود.
۴. ذکر هزینه هایی که مؤسسین تا موقع پذیره نویسی برای انجام مقدمات تشکیل شرکت پرداخته اند.
۵. مشخص شود که پذیره نویس باید همه را نقد بپردازد یا می تواند ۳۵٪ را نقد و مابقی را تعهد کند. این بستگی به خود مؤسسین دارد که خودشان چه جوری پرداخت کرده اند: آیا همه را نقدا پرداخت کرده اند یا ۳۵٪ را نقد پرداخته اند.
۶. روزنامه ی کثیرالانتشار که آگهی های مجامع عمومی شرکت در آن انتشار می یابد باید در این طرح ذکر شود.
- ورقه ی تعهد سهم
 - نام
 - موضوع
 - مرکز اصلی شرکت
 - شماره و تاریخ اعلام پذیره نویسی
 - تعداد سهامی که مورد تعهد قرار گرفته است.
- همین که ما ورقه ی تعهد را امضا می کنیم فرض بر این است که مفاد اساس نامه ی شرکت را پذیرفته ایم.

- در شرکت های سهامی خاص باید اساس نامه شرکت تحویل داده شود و ۳۵٪ از موجودی شرکت را باید از بانک گواهی بگیرند که به بانک تحویل دهند.
- حالا باید سهم را تعریف کنیم که خود سهم چیست.
- سهم قسمتی از سرمایه ی شرکت سهامی است که مشخص کننده ی میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب سهم در شرکت سهامی است. به بیان دیگر سهم معرف حق احتمالی صاحب سهم نسبت به قسمتی از سرمایه ی شرکت سهامی است.
 - چرا حق احتمالی: به خاطر این که در شرکت سهامی شرکت در مقابل دیون و تعهدات واقع می شود و دارایی و سرمایه ی مثبت شرکت وقتی معلوم می شود که عمل تسویه در آن صورت گیرد. بنابراین تا زمانی که عمل تسویه صورت نگرفته است سهم فقط معرف حق احتمالی است نه حق مُنَجَز.
 - ورقه ی سهم که سندی است که نشان گر مالکیت سهم است به وسیله ی شرکت صادر می شود و ورقه ای قابل معامله است که نماینده ی تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.
 - این سهم با نام است یا بی نام. البته بعد از انقلاب خیلی اجازه ی سهم بی نام ندادند. اوراق سهام که به وسیله ی شرکت صادر می شود باید چاپی باشند و دارای شماره و به امضای؟؟؟ شرکت که در اساس نامه ی شرکت معین شده اند آورده شود.
 - ورقه سهام
 - نام
 - شماره ثبت
 - مبلغ سرمایه ی ثبت شده و مقدار پرداخت شده ی آن
 - تعیین نوع سهم که بی نام است یا با نام، یا ممتاز یا عادی
 - تعداد سهمی که هر ورقه نماینده ی آن است.
 - اگر سهامداری تقاضای ورقه ی سهم کرد قبل از آن که شما ورقه ی سهام را صادر کنی، باید به او گواهی نامه ی موقت سهام بدهی. حداکثر پس از گذشت یک سال از ثبت شرکت باید ورقه ی سهم داده شود و بعد از این که ورقه ی سهم داده شد، گواهی نامه را پس می گیری و ورقه ی سهم می دهی.
 - در شرکت سهامی عام، هر سهم نباید بیش تر از ۱۰۰۰۰ ریال باشد. حداقل آن ۱۰۰۰ ریال است.

- تا زمانی که سهامدار کل مبلغ تعهدی را نپرداخته اند شما فقط گواهی موقت می دهی. نقل انتقام این گواهی موقت مانند سهام بی نام است.
- حالا اگر این گواهی موقت معامله شود تعهدی که به شرکت داده شده است را باید منتقل الیه پردازد.
- مراتب مطالبه ی وجوه تعهدی را باید در روزنامه ی کثیرالانتشار اعلام کند و یک مدتی را هم مهلت دهد. از آن مهلت به بعد سالی ۴٪ از سهام دار جریمه گرفته می شود. ولی اگر اصلاً نیامد بدهد بعد از یک ماه شرکت این سهامی که تعهد کرده است را از طریق بورس یا مزایده می فروشد و آن وقت هر هزینه ای که مترتب بر فروش شده است، مطالبات شرکت و خسارات دیرکرد را از مبلغ کسر می کند و اگر چیزی باقی ماند به صاحب سهم می دهد.
- چه در سهامی عام و چه خاص، انتقال سهام باید در دفتر سهام شرکت به ثبت برسد. بنابراین، انتقال سهام در این شرکت ها، به عمل می آید به شرط ثبت در دفتر سهامی شرکت ها.
- نمی توان انتقال سهام را مشروط به رضایت مدیران شرکت کرد (؟)

- ارکان شرکت های سهامی

- مجمع عمومی

- مؤسس:

- در شرکت های سهامی خاص تشکیلش ضرورت ندارد و به اختیار مؤسسین شرکت سهامی خاص است وظایفی دارد که این وظایف در ماده ی ۷۴ ذکر شده است.
- اولین وظیفه: رسیدگی به گزارش مؤسسین و تصویب آن و احراز پذیره نویسی کلیه ی سهام شرکت. علی القاده این تکلیف که بخشی از آن ناظر به احراز پذیره نویسی است در شرکت های سهامی عام تحقق پیدا می کند. یعنی شرکت سهامی عام سهامش به عموم عرضه می شود بنابراین لازم است رکنی از ارکان شرکت احراز بکند که همه ی آن سهامی که قابل عرضه ی به عموم بود خریداری شده است و یا این که تعهدات مربوط به آن سهام و پرداخت مبلغ اسمی سهم محقق شده است.
- گفته بودیم که این شرکت ها در شرف تأسیس هستند. پس باید یک مجمع عمومی باشد که اساس نامه ی شرکت را تصویب کند که مجمع عمومی مؤسس این کار را می کند. هم چنین باید مدیران و بازرسین شرکت را نیز انتخاب کند.

- گزارش مؤسسين ۵ روز قبل از تاريخ مشخص شده [برای تشكيل مجمع] در آگهی مجمع عممی مؤسس باید در اختيار سهامداران قرار گیرد.
- تمام مجامع عمومی فقط به شرطی رسمیت پیدا می کنند که تعدد سهامداران مقرر در قانون در مجمع عمومی حاضر شده باشند. که برابر بیش از نیمی از سهام داران است.
- آگهی دعوت باید دو نوبت تجدید شود و در نوبت سوم اگر دارندگان یک سوم سرمایه هم شرکت کردند برای رسمیت پیدا کردن جلسه کفایت می کند.
- در مجمع عمومی هر چند ملاک رسمیت دارندگان بیش از ۵۰٪ سرمایه ی شرکت است اما در جلسات لازم است دو سوم حاضرین رأی بدهند.

• عادی

- به طور معمول سالی یک بار برای رسیدگی به ترازنامه ی شرکت، صورت عملکرد مدیران و حساب سود و زیان سال قبل تشكيل می شود.
- ممکن است مجمع عمومی تصمیم بگیرد که امتیازات را دستکاری کند ولی چون این امتیازات حق مکتسب آن افراد است تصمیم مجمع عمومی در خصوص حق افراد قطعی نیست. باید تصمیم راجع به آن نوع سهام را دارندگان سهام اخذ کنند.
- این تصمیم باید دو سوم حاضرین
- دعوت از سهامداران برا مجمع عمومی وظیفه ی هیأت مدیره است اگر هیأت مدیره عمل نکرد وظیفه ی بازرسین قانون شرکت است که اقدام کنند. سهامدارانیکه بیش از یک پنجم سهم را دارند هم می توانند درخواست تشکیل مجمع دهند و هیأت مدیره ظرف ۲۰ روز تشكيل مجمع دهند. در مرحله ی دوم بازرسین و در مرحله ی سوم خود سهامداران تشكيل می دهند.
- اگر موعد چاپ آگهی و موعد تشكيل مجمع فاصله ی بین ۱۰ تا ۴۰ روز
- تنها در یک مورد هست که ما نیاز به درج آگهی نداریم و آن هم جایی است که ۱۰۰٪ سهامداران در جلسه ی مجمع شرکت کنند.

• فوق العاده

□ مجمعی است که منحصرًا تغییر در مواد اساس نامه، افزایش یا کاهش سرمایه ی شرکت و یا انحلال شرکت پیش از موعد معین در اساس نامه را رسیدگی و تصویب می کند.

□ این مجمع وقتی می گوئیم صلاحیتش انحصاری است یعنی مجمع عمومی عادی حق رسیدگی به مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده است را ندارد.

- ما در کشور سامانه ی برگزاری مناقصات عمومی نداریم به همین دلیل مدیر سازمان به هر کسی خواست می تواند پروژه را بدهد. = باید یک سری قوانینی باشد که سلامت معاملات را تأمین کند.
- دولت اگر در دانشگاه هم دخالت کند دانشگاه از بین می رود.
- مدیریت دستوری. اگر مدیریت دستوری نباشد بلکه بر اساس شایستگی باشد آن وقتی می شود که مانند آمریکا حتی اسلحه سازی را هم دست بخش خصوصی داد.
- قضیه ها

○ آزمایش پذیر

- صدق و کذب بردارند: مانند جوش آمدن آب در ۱۰۰ درجه

○ آزمایش ناپذیر

- صدق و کذب بردار نیستند

- چرا گفته شد شورای نگهبان باید عدم مطابقت قوانین مجلس با اسلام و قانون اساسی را بررسی کند و نگفتند که مطابقتش را بررسی کنند؟ یعنی وظیفه ی شورای نگهبان این است که مطابقت را بررسی کند یا عدم مطابقت را؟

○ دلیلش این است که ما برخی وقت ها نمی دانیم که حکم شرع چیست و به عبارتی در شرع بحثی از آن صورت نگرفته است یعنی منطقه الفراغ است. به همین دلیل گفته شد عدم مطابقت.

- تا وقتی یک مسئله ای برای مردم درونی نشده باشد و مقبولیت بین مردم نداشته باشد نمی توان آن را به صورت قانون وضع کرد و اجرا کرد. مثلاً نمی توان گفت در آلمان همه باید حجاب داشته باشند. حرف این است که قانون وقتی قابلیت اجرا دارد که مقبولیت عمومی داشته باشد. مثلاً نمی توان در یک جامعه ای که همه دزد هستند قانون مبارزه با دزدی وضع کرد.
- ضمانت اجرا برای تنبیه کردن یک سری آدم هنجار شکن است

- همیشه به یاد داشته باشیم که زور فرهنگ ساز نیست. ما قانونی را می توانیم وضع کنیم که برای مردم درونی شده باشد. فطرت الله التي فطر الناس عليها. یعنی دینی که خدا برای ما وضع کرده است به این خاطر است که برای ما یک چیز فطری است و ما فطرتا آن را دوست داریم. کسی را هم که مجازات می کند به این خاطر است که فطرتش خراب شده است.
- خدا هم همین کار را کرد. [مثلا حکم حجاب و شراب در همان اول دعوت به اسلام وضع نشدند]